



همم عالیہ و ملل راقیہ

دکتر عبدالرسول خیراندیش

۲

در زندگی انسان‌ها وقایع بسیاری رخ می‌دهد، اما همه آن‌ها در تاریخ ثبت نمی‌شوند. این از آن روست که در تاریخ، فقط وقایع مهم، مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر قید مهم بودن، را برای وقایع جهت ثبت در تاریخ مورد توجه و دقت کافی قرار دهیم، نیک درمی‌یابیم که از میان انبوه وقایع و شمار فراوان فعالیت‌های انسانی، آنچه که بزرگ، تأثیرگذار، سرنوشت‌ساز، تعیین‌کننده، نقطه عطف، دگرگون‌ساز، و حیات بخش است، مهم، به شمار می‌آید. در واقع آن هنگام که تاریخ یک ملت را می‌خوانیم، در میان چند هزار سال تاریخ و سرگذشت میلیون‌ها انسان، فقط با وقایعی آشنا می‌شویم که تأثیری سرنوشت‌ساز و یا نتایج طولانی برای آن ملت داشته‌اند. نیز با اشخاصی آشنا می‌شویم که کارهای بزرگی انجام داده‌اند یا اندیشه، اخلاق و عمل آنان، نسل‌های پی‌درپی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

تاریخ هیچ ملت بزرگی خالی از کارهای بزرگ و مردان و زنان بزرگ نیست. نیاز به گفتن ندارد که کارهای بزرگ، به دست انسان‌های بزرگ صورت می‌گیرد. بزرگ بودن هر انسانی بستگی مستقیم به عقل و اندیشه، اعتقاد و ایمان، درایت، همت، تلاش، کوشش، دوراندیشی، بزرگ‌منشی و تعالی‌جویی او دارد. آنان که در تاریخ نامی یافته‌اند و برای مردم خویش و تمامی بشریت کاری انجام داده‌اند، در پرتو سعی و تلاش، از خود گذشتگی و مجاهدت و عشق به هم‌نوع، به جایگاهی بلند دست یافته‌اند.

شکی نباید داشت، همان گونه که انسان‌های بزرگ، ملت‌های خویش را به سوی قله‌های تعالی و ترقی رهنمون می‌کردند، این ملت‌های بزرگ و صاحب فرهنگ هستند که انسان‌های بزرگ را می‌سازند، زیرا آنان به واقع تربیت شده و پرورش یافته فرهنگ ملت خویش هستند. از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه خویش الهام گرفته‌اند و برای هدفی تلاش می‌کنند که نزد جامعه خویش، عزیز و ارجمند یافته‌اند.

اما ملت‌ها و فرهنگشان و نیز بزرگانشان (اعم از فرمانروایان و دانشمندان) چگونه و از کجا اندیشه‌ی تعالی و ترقی و گام برداشتن به سوی قله‌های افتخار را می‌یابند و انگیزه دست‌زدن به کارهای بزرگ را الهام می‌گیرند؟ همه صاحب‌نظران بر این باور هستند که اغلب با مطالعه تاریخ است که انسان‌ها طریق یافتن همت عالی، طبع بلند، نامجویی و سربلندی را می‌یابند. از رهگذر اطلاع از تاریخ است که بعضی از انسان‌ها معمولی بودن، پائین بودن، اشتغال به کارهای کوچک و کم‌اهمیت و زندگی یکنواخت و گرفتار روزمرگی شدن را بر نمی‌تابند و گمنامی و ضعف و زیونی را نمی‌پذیرند، زیرا:

- * تاریخ مشحون از کارهای بزرگ و دربردارنده شرح احوال مردان بزرگ است.
- * تاریخ در بردارنده مقایسه جوامع مختلف با یکدیگر و نشان دادن علت بدبختی یا سعادت هر جامعه است.
- * تاریخ نشان‌دهنده سیر تعالی و ترقی یا تدنی و تنزل جوامع است و علل و عوامل آن را بازگو می‌کند.
- * تاریخ امکان می‌دهد که هر جامعه‌ای را در سه برهه گذشته، حال و آینده، مورد مطالعه قرار دهیم و درباره آن اندیشه کنیم.

* تاریخ بازگوکننده قوانین و سنت‌های حاکم بر جوامع است که همین قوانین و سنت‌ها نشان می‌دهند، چرا ملت‌هایی نابود شدند، چرا ملت‌هایی باقی ماندند، چرا ملت‌هایی پیشرفت کردند و چرا ملت‌هایی عقب ماندند.

از این نوع ویژگی‌ها برای تاریخ فراوان می‌توان برشمرد که رابطه اطلاع از تاریخ و داشتن همت بلند و هدف بزرگ را بازگو می‌کند. از رهگذر همین ویژگی‌هاست که از قدیم میان تاریخ و تربیت رابطه قائل بوده‌اند و همواره یکی از ابزارها و شیوه‌های تعلیم و تربیت، بهره‌گیری از تاریخ بوده است. در عین حال، همواره میان تاریخ و سیاست، یعنی فن حکومت و اداره جامعه قائل به رابطه بوده‌اند و یکی از دانش‌های مورد نیاز فرمانروایان را تاریخ دانسته‌اند و باز بر همین اساس بوده است که باور داشته‌اند، میان تاریخ و اخلاق به عنوان مجموعه منش فردی و مبنای رفتار و عمل، و نیز میان تاریخ و جامعه، یعنی هویت جمعی و نظام زندگی عمومی، رابطه وجود دارد.

نگاهی گذرا به تاریخ به ما نشان خواهد داد که:

- * پیامبران، امامان، اولیا و صلحا چه نقشی در تمدن و فرهنگ و تداوم و تعالی آن داشته‌اند.
- * دانشمندان و عالمان و مخترعان و مکتشفان، خیر خواهان، نیکوکاران، راستگویان، پاکان و بشر دوستان، چگونه در ارتقای جامعه بشری سهیم بوده‌اند.

* فرمانروایان عادل و شجاع، مدیران مدبر، قضات عادل، افراد امین و دارای پشتکار و عزم و اراده، چگونه تمدن بشری را پیش برده و سالم نگه داشته‌اند. به خاطر آورید، شکوه تمدن و فرهنگ ایرانیان را، به خاطر آورید نام بلندی را که مجاهدان صدر اسلام یافتند، به خاطر آورید، شرح زندگی ملت‌هایی را که بر قله‌های افتخار و عظمت پا نهادند. آیا جز این بوده است که با عنایت به تاریخ، یعنی در نظر گرفتن زمانی بلند، هدف زندگی فردی و جمعی خویش را تعیین کرده‌اند و در نتیجه از کوه نگری، روزمرگی، معمولی بودن و دون همتی استنکاف کرده و با بلند نگری، بلند همتی، هدف متعالی، و در نظر گرفتن افق‌های بلند، آینده را وجه همت خویش ساخته‌اند؟ آنان در نتیجه داشتن همین روحیه، کارهای بزرگ انجام داده و آثار ماندگار از خود به جای گذاشته‌اند و نامی نیک، آوازه‌ای بلند، و خاطره‌ای جاودان سربلندی همیشگی، و احترام حقیقی یافته‌اند.

برای هر نسلی، در هر عصری وظیفه‌ای وجود دارد. آن هنگام که ملت‌ها وظیفه و مسؤلیت خویش را به خوبی بشناسند و در طریق نیل به آن همت و تلاش کنند، شاهد عزت و افتخار و بهروزی خواهند بود. اما آن هنگام که در سستی، فرورفتن در لذات زودگذر، بی‌هدفی و روزمرگی فروروند، خود و نسل‌های بعد را در منجلاب فقر، عقب‌ماندگی، ذلت و اسارت فرو خواهند برد.

این‌ها همگی درس‌هایی هستند که از تاریخ می‌توان آموخت. درس حقیقی و هدف اصلی و غایی از آموزش تاریخ نیز همین است. معلم تاریخ باید خود را انسانی بزرگ با هدفی بزرگ و مسئول، برای کارهای بزرگ بداند تا دانش‌آموز و نیز خود را انسانی بزرگ برای کاری بزرگ و هدفی بزرگ بسازد. زیرا تاریخ سراسر سخن از هم‌عالیه (انسان‌های بزرگ) و ملل راقیه (ملت‌های مترقی) است. نیک می‌دانیم که همت و مراحل معنوی اخلاقی، و ترقی مفهومی معنوی است تا مادی.